

ماهنامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

برنامه صلح اتحاد شوروی

از سخنرانی رفیق لئونید برژنف

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

در کنگره پانزدهم سندیکاهاى اتحاد شوروی

پانزدهمین کنگره سندیکاهاى اتحاد

شوروی در روزهای ۲۰-۲۴ مارس ۱۹۷۲

در کاخ کرملین مسکو برگزار شد. نمایندگان

بزرگترین سازمان زحمتکش جهان که

پیش از ۹۸ میلیون نفر در آن عضویت دارند

از فعالیت خود در طول چهار سالى که از

کنگره پیشین آن گذشته است نتیجه گیری

کردند و وظایف جدید و طرق شرکت

اثر بخش تر خود را در کار آتی ساختمان

کمونیسم مشخص ساختند.

۱۳۷ هیئت نمایندگی کارگری از

۱۰۳ کشور جهان و ۹ هیئت نمایندگی

بین المللی در کنگره حضور داشتند.

کنگره نمودار بارزی از اتحاد طبقه

کارگر، دهقانان کهنوزی و روشنفکران

شوروی و مظهر درخشانی از انترناسیونالیسم

پرولتری و همبستگی برادرانه طبقه کارگر و

تمام زحمتکشان شوروی در مبارزه ملل علیه

امپریالیسم و در راه آزادی و استقلال ملی و

سوسیالیسم بود.

رفیق لئونید برژنف دبیر کل کمیته

مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در

کنگره ضمن سخنرانی عمیق و پر مضمون

خود پس از تحلیل وضع عمومی اقتصادی اتحاد

شوروی و پیشرفتهای عظیم و الهام بخش آن

در شئون مختلف حیات کشور به تشریح یک

سلسله مسائل مهم در زمینه سیاست خارجی

پرداخت که حل آنها با تحکیم صلح جهانی

پیوند ناگسستنی دارد و در حال حاضر افکار

مردم جهان و دولتها را بخود مشغول میدارد.

رفیق برژنف خاطر نشان ساخت که:

مسائل سیاست خارجی جز « لاینفک و

بسیار مهمی از فعالیت حزب و دولت شوروی

را تشکیل میدهند. جهات اساسی و وظائف

اساسی سیاست خارجی ما را در مرحله کنونی

کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد

شوروی معین کرده است. برنامه مصوبه

کنگره که به برنامه صلح شوروی مشهور شده است بنحو

بگیر تحقق میپذیرد و عامل

مؤثری را در سیاست جهانی

تشکیل میدهد.

مشى اصولی مابارتست از

دفاع اثر بخش از صلح و آزادی

و امنیت ملل. ما این مشى

را با توافق دوستان و متحدین

خویش عملی میکنیم و در جریان

آن اقدامات خود را در صحنه

بین المللی هم آهنگ میسازیم...

اجلاس اخیر کمیته سیاسی

مشورتی کشور های عضو

پیمان ورشو که در ژانویه

سال جاری در پراگ تشکیل

شد به بررسی مسائل اروپا

اختصاص داشت. تصمیمات

مهمی اتخاذ گردید که محتوی

آنها عبارتست از کمک مجدانه

به تحکیم امنیت اروپا...

بطوریکه میدانید ما برای

تأمین امنیت اروپا تشکیل

کنفرانس سراسری اروپا را پیشنهاد کرده ایم.

اکنون در اروپا میتوان گفت که دیگر

دولتی نیست که بنحوی از انحاء پشتیبانی خود

را از تشکیل کنفرانس امنیت و همکاری اعلام

نکرده باشد. کانادا هم با این پیشنهاد موافق

است. بطوریکه گزارش رئیس جمهور نیکسون

به کنگره امریکا نشان میدهد ایالات متحده

امریکا نیز از این کنفرانس پشتیبانی میکند.

حال باید تاریخ تشکیل کنفرانس را معلوم

داشت و مسائل عمده دستور روز آنرا متقفا

معین کرد...

سخنران سپس خاطر نشان ساخت که

کشور های سوسیالیستی بنحو بگیر در راه

توسعه روابط مبتنی بر منافع مشترک با دول

بخش سرمایه داری اروپا میگویند. در این

زمینه نتایج مشهودی بدست آمده است. این

مطلب بخصوص در مناسبات با فرانسه، فنلاند

و کشور های اسکاندیناوی صادق است.

وی افزود که در مناسبات مابا جمهوری فدرال

آلمان پیشرفتهای مهمی در جهت مثبت پدید آمده

است. این پیشرفتهای در نتیجه امضای قرارداد

میان اتحاد شوروی و جمهوری فدرال آلمان

و نیز قرار داد میان لهستان و جمهوری فدرال

آلمان میسر گردیده است.

اکنون این قرار دادها جریان تصویب

خود را میکنند. در شورای عالی اتحاد

شوروی و در مجلس جمهوری توده ای لهستان

و در مجالس منطقه ای جمهوری فدرال آلمان

نیز پیرامون این قراردادها بحث و مذاکره

صورت میگیرد.

تردید نیست که تصویب قرار داد میان

اتحاد شوروی و جمهوری فدرال آلمان مرحله

دارای کیفیت نوین و بسیار ثمر بخش تری را

در رشته های گوناگون مناسبات میان اتحاد

شوروی و آلمان غربی پدید خواهد آورد...

بنظر ما این امر علاوه بر آنکه با منافع اتحاد

شوروی و آلمان غربی مطابقت دارد برای

تحکیم صلح اروپا نیز اهمیت بسیار زیاد خواهد

داشت.

بر سر مسئله تصویب قرار دادها در

جمهوری فدرال آلمان مبارزه بسیار شدیدی

در گرفته است. سیاستمدارانی را می بینیم که

بمخالفت با این قرار دادها بر میخیزند و حتی

به صلاح بودن امکان آشتی واقعی و توسعه

مناسبات عادی میان آلمان غربی و کشورهای

سوسیالیستی بدیده تردید میگردند.

منظور مخالفان این قرار دادها چیست؟

آنها نقشه های خود را پنهان نمیدارند. این

قرار دادها بنظر آنها خوب نمیآید زیرا خلل

ناپذیری مرزهای موجود اروپا را تثبیت میکند.

باینجهت این نغمه را ساز کرده اند که این

مواد در قرار دادها «مؤرد تجدید نظر قرار

گیرد». ولی مگر روشن نیست که مخالفان

قرار دادها برای مذاکره در باره تجدید

نظر در مرزها مصاحبی ندارند و نخواهند

داشت. این موضوع نه در حال حاضر و نه در

آینده محلی برای بحث و مذاکره نخواهد

داشت. مرزهای کشورهای سوسیالیستی

خلل ناپذیرند و قرار دادها فقط انعکاسی از

واقعیت موجود هستند.

مخالفان قرار دادها پنهان نمیدارند

که خواستار تضعیف حاکمیت جمهوری

دموکراتیک آلمان هستند. در این زمینه هم

آنها میگویند به دیروز باز گردند. جمهوری

دموکراتیک آلمان اکنون قریب ربع قرن

است که با گامهای استوار در راه سوسیالیسم

پیش میرود. این جمهوری در زندگی بین-

المللی کنونی از شرکت کنندگان فعال

است. کسی که نخواهد این واقعیت را در

نظر گیرد و از آن نتایج لازم اخذ کند فقط

سیاست خود را به بن بست میکشاند.

دیری است که باید این مطلب روشن

شده باشد که برقراری مناسبات واقعا عادی

در اروپا بدون در نظر گرفتن موقعیت کامل

و همه جانبه جمهوری دموکراتیک آلمان مشابه

کشور سوسیالیستی مستقل خاکم بر حقوق

خویش تحقق پذیر نیست و نمیتواند باشد.

جمهوری فدرال آلمان اکنون انتخاب

حساس و پر مسئولیتی را در برابر دارد که

چگونگی آن سرنوشت مردم آن و رفتار

کشورهای دیگر را در قبال آن برای سالیان

درازی در آینده معین خواهد کرد. این

انتخاب انتخاب همکاری یا جبهه گیری،

کاهش وخامت یا تشدید وخامت و در آخرین

تحلیل انتخاب سیاست صلح یا سیاست جنگ

است.

در مورد اتحاد شوروی باید بگوئیم که

ما به امر بهبودی مناسبات با جمهوری فدرال

آلمان برخورداریم و جدی داریم، اگر

چه این امر برای کشور ما بعلل معلوم مسئله

ساده ای نیست. بلاای جنگ گذشته و مصائبی

که در اثر تجاوز هیتلری بر سر مردم ما آمد

هنوز در خاطره مردم شوروی زنده است.

ولی ما بر آنیم که گذشته تلخ نباید الی الابد

بصورت مانع رفع ناپذیر در راه توسعه مناسبات

ما با آلمان غربی باقی بماند. ما این واقعیت

را هم در نظر میگیریم که اکثریت مردم

آلمان غربی هوادار بهبود مناسبات با اتحاد

شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی هستند.

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست

اتحاد شوروی در ادامه سخنان خود گفت:

جنگ هندوچین که باعتراف رئیس

جمهور امریکا «طولانی ترین و سخت ترین

جنگ در تاریخ امریکا» است بی پایگی

سیاست امپریالیستی را در زمینه تجاوز و

ستمگری بر خلقها کاملا آشکار ساخته است.

امریکا اکنون امیدش بر آنست که در درجه

اول بمکم مزدوران محلی خود مبارزه آزادی

بخش ملی را در هندوچین در هم گوید تا از

این رهگنر مواضع سیاسی و استراتژیک

خود را در این منطقه حفظ کند. این امر

در واشنگتن عنوان «وینتامیزه کردن» جنگ

اطلاق میگردد. میخوانند اونوفورم ایریکائی

را که به نیروی میهن پرستان هندوچین بکلی

اسقاط شده و از هم دریده است. اونوفورم

سربازان دست نشانده عوض کنند، ولی آستر

سیاسی آنرا بهمان صورت سابق یعنی امریکائی

نگاهدارند.

میهن پرستان ویتنام، لائوس و کامبوج به کینه

این مانورها خوب بی میرند. ملل هندوچین با نگاه

کمک و پشتیبانی اتحاد شوروی و کشورهای

سوسیالیستی دیگر مبارزه خود را علیه متجاوز

در تمام جبهه ها اعم از نظامی، دیپلماتیک و

سیاسی ادامه میدهند.

مردم شوروی در این بیکار تمام و کمال

از ملل هندوچین جانبداری میکنند. کمک به

این ملل وظیفه انترناسیونالیستی ما است و ما

باین وظیفه تا پایان آن وفادار خواهیم ماند.

اتحاد شوروی عمل راهزانه بمباران خاک

جمهوری دموکراتیک ویتنام را که توسط

هوایماهای امریکائی انجام میگردد با خشم

تمام محکوم میکند و قطع این بمبارانها را

طلب مینماید. ما از تمام پیشنهادهای جمهوری

دموکراتیک ویتنام و جمهوری ویتنام جنوبی

پشتیبانی میکنیم. ما خواستار خروج مهاجمین

از سرزمین هندوچین هستیم، ما خواستار آنیم

که ملل این منطقه مستقل باشند و سرنوشت

خویش را خودشان بدون هیچگونه مداخله

و فشاری از خارج تعیین کنند.

خاور نزدیک بکانون دهم خطرناکتر

وخامت تبدیل میشود. استتکاف لجوجانه

اسرائیل از تخلیه سرزمینهای اشغالی در کشور

های عربی و تحریکات دائم نظامیان اسرائیلی

علیه دول عرب محطرا داغ میکند و خطر انفجار

جنگ پدید میآورد.

کشورهای عربی آمادگی خود را برای

حل و فصل سیاسی اختلاف و برقراری صلح

استوار و مطمئن در خاور نزدیک بنحو مقنع

نشان داده اند. اسرائیل بسبب مسامحه و

پشتیبانی امریکا در ادامه سیاست تجاوز کارانه

و اشغالگرانه خود لجناح میوزرد. ولی باین

وضع نمیتوان بی پایان ادامه داد. سیاستمدار

ران صاحب عقل سلیم مشکل بتوانند چنین

فکری بخود راه دهند که کشور های عربی

در مقابل اشغال سرزمینهای خویش سازگار

شوند.

جهان عرب امروز دیگر آن نیست که

چند سال پیش بود. رژیمهای مترقی تحکیم

دنیاله در صفحه ۲

دنباله از صفحه ۱

برنامه صلح اتحاد شوروی

از سخنرانی رفیق لئونید برژنف

یافته اند، همکاری اعراب با یکدیگر بسط مییابد و قدرت نظامی و دفاعی کشورهای عربی بسی افزایش پذیرفته است. این عوامل همه دیرباز هستند و همین عوامل نیز در آخرین تحلیل تناسب نیروها را در خاور نزدیک معین میکنند.

دوستی و همکاری اتحاد شوروی با کشورهای مترقی عرب پیوسته توسعه مییابد و تحکیم مییابد. . . صریحاً میتوان گفت که مناسبات ما با دوستان عربمان هیچگاه چنین عتیق و همه جانبه نبوده است. رفیق برژنف سپس خاطر نشان ساخت که مناسبات با کشورهای آسیا در این اواخر جای روز بروز بیشتری در سیاست ما میگیرد و علت آنهم روشن است زیرا قریب دو سوم خاک اتحاد شوروی در قاره آسیا واقعتاً نقش آسیا نیز در سیاست جهانی در پرتو کامیابیهای جنبش آزادیبخش ملی و اجتماعی ملل آسیا و رشد اقتصادی کشورهای آسیایی بسرعت بالا میرود.

اتحاد شوروی هوادار توسعه مناسبات کاملاً حسنه با کشورهای آسیایی است. هدف ما کمک به تحکیم صلح در آسیا و مساعدت به نیروهای ترقیخواه آسیا در مبارزه علیه امپریالیسم و صورت گوناگون استعمار است. میان ما و کشورهای سوسیالیستی آسیای جمهوری توده‌های مغولستان، جمهوری دموکراتیک ویتنام و جمهوری توده‌ای دموکراتیک کره مناسبات برادرانه و همکاری همه جانبه برقرار است و این مناسبات کاملاً توسعه می یابد.

ما خرسندیم از اینکه میان ما و بسیاری از کشورهای آسیا نظیر افغانستان، برمه، سیلان، ایران و ترکیه مناسبات حسنه برقرار شده است، گرچه باید گفت که مناسبات با برخی از این کشورها میتوانست از آنچه که اکنون هست بهتر باشد. ما بسهم خود تمام مساعی لازم را برای توسعه این مناسبات بکار خواهیم برد.

ما برای تقویت روز افزون دوستی خود با هندوستان و با خلق بزرگ هند که در راه آزادی، استقلال و ترقی پیش میرود اهمیت بسیار زیاد قائلیم. مناسبات ما با هندوستان طی تمام سال های استقلال آن پیوسته در حال تحکیم بوده است. در نتیجه همین امر بود که پیمان صلح و دوستی و همکاری شوروی و هند پدید آمد.

ما در تمایل خود به تقویت مبانی دوستی با هندوستان از تفاهم کامل و تمایل متقابل دولت هند برهبری ایندیرا گاندی رهبر برجسته مردم هند برخورداریم.

اکنون بطوریکه میدانید در شبه جزیره هندوستان وضع جدیدی پدید آمده است. پیکار آزادیبخش مردم بنگال شرقی به تشکیل دولت مستقل جدید جمهوری خلق بنگالادش

انجامید. ۷۵ میلیون نفر حق استقلال و رشد ملی یکف آورده‌اند و ما این پیروزی بزرگ را از صدق دل بانان شادباش میگوئیم. مشی مادر پشتیبانی از جمهوری بنگالادش و همکاری با آن از سیاست اصولی حزب کمونیست و دولت شوروی ناشی میشود. همین چندی پیش شیخ مجیب الرحمان نخست وزیر بنگالادش از کشور ما دیدن کرد. ما امیدواریم که این دیدار شاخص مهمی در مناسبات میان کشورهای ما باشد. ما بسهم خود در آینده نیز تمام مساعی خود را برای تحکیم مناسبات خود با جمهوری بنگالادش بکار خواهیم برد.

میخواهم خاطر نشان کنم که ما در عین حال هوادار مناسبات حسنه با پاکستان هستیم. میان ما و این کشور هیچگونه تناقض و تضاد منافع وجود ندارد. دیدار رئیس جمهوری پاکستان بوتو از اتحاد شوروی که چند روز پیش پایان یافت نشان داد که برای توسعه مناسبات حسنه میان کشورهای ما شرایط لازم موجود است.

ما ایضاً هوادار پیگیر برقراری صلح پایدار و حسن همجواری میان هندوستان، پاکستان و بنگالادش هستیم. این امر به بهبود وضع سیاسی در سراسر آسیا کمک فراوان خواهد کرد.

این اواخر در مناسبات ما با ژاپن چرخش مشهود در جهت بهبود صورت گرفته است. اخیراً اتحاد شوروی و ژاپن در باره مذاکره برای انعقاد پیمان صلح توافق کردند. ما این توافق را واقعه‌ای مهم و مثبت تلقی میکنیم و اطمینان داریم که عادی شدن کامل روابط شوروی و ژاپن نه تنها با منافع ملل دو کشور ما بلکه با منافع عمومی صلح و امنیت در خاور دور و حوضه اقیانوس آرام

مطابقت کامل دارد.

دیر کمال کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پس از اشاره به مسئله تأمین امنیت جمعی آسیا و اظهار موافقت با آن و ابراز آمادگی برای همکاری با کلیه کشورها بمنظور تحقق این اندیشه به مسئله مناسبات با جمهوری توده‌های چین پرداخت و گفت:

همین چندی پیش واقعه سفر نیکسون رئیس جمهور امریکا به چین و مذاکرات او با رهبران چین توجه را بخود جلب کرد. در این باره چه میتوان گفت؟

پیش از هر چیز باید گفت که برقراری تماس میان دو کشور و عادی کردن مناسبات میان آنها امریست کاملاً طبیعی. اتحاد شوروی همواره مخالف سیاست امپریالیستی منفرد نگاهداشتن جمهوری توده‌های چین و هوادار شناسایی شایسته نقش آن در صحنه بین‌المللی بوده است. ولی برای ارزیابی تماس‌های کنونی میان پکن و واشنگتن باید دید که این تماس‌ها بر چه پایه‌ای استوار میگردد.

طرفین ملاقات پکن درباره محتوی مذاکرات و ماهیت توافق میان خود اخبار اندکی در اختیار ملل خودو جهانیان گذاردند. علاوه بر این چنین فهماندند که آنچه را که خارج از اعلامیه رسمی منتشره است تصمیم گرفته‌اند بنهان نگاهدارند و «مورد بحث قرار ندهند». باینجهت کلام آخر را درباره اهمیت مذاکرات پکن و واقعیات و اقدامات بعدی ایالات متحده امریکا و جمهوری توده‌های چین خواهند گفت.

ولی برخی از اظهارات طرفین مذاکرات پکن را نمیتوان از نظر دور ساخت. این اظهارات زمینه‌ای برای این فکر بدست میدهند که گفته‌گوها از حدود مناسبات دو جانبه میان امریکا و چین فراتر میرفته است.

هستیگی در پیکار

مردم شوروی و ارتش شوروی - پشتیبان مردم ویتنام

روزنامه «نیان زان» ارگان کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام ضمن سر مقاله ای در باره هستیگی پیکارجویانه دو کشور برادر، جمهوری دموکراتیک ویتنام و اتحاد شوروی خاطر نشان ساخته است که این هستیگی الهام بخش خلق ویتنام و نیروهای مسلح آنست و اراده آنان را برای مبارزه علیه امپریالیست های امریکا و در راه نیل به استقلال و آزادی ویتنام و تأمین امنیت اردوگاه سوسیالیستی و پیروزی نیروهای انقلابی سراسر جهان تحکیم می بخشد.

در مقاله پس از تصریح اهمیت عظیم و پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر برای سرنوشت ملل جهان و تشریح قهرمانی های پر افتخار ارتش شوروی که با پیروزی های خود بر فاشیسم هیتلری و نیروهای میلیتاریستی ژاپن صفحات درخشانی در تاریخ جهان وارد کرده خاطر نشان گردیده است که:

ما از کمکهای عظیم و گرانبهای مردم

و نیروهای مسلح اتحاد شوروی به امر انقلابی ویتنام برای همیشه سپاسگزاریم. ارتش شوروی با تار و مار ساختن ژاپن فاشیستی شرایط عینی مساعد برای پیروزی انقلاب اوت ما فراهم ساخت. ما در جنگ علیه استعمارگران فرانسوی و امپریالیستهای امریکائی همواره از هواخواهی و پشتیبانی خلق شوروی برادر و ارتش شوروی برخوردار بوده ایم. اکنون نیز حزب، دولت، مردم و نیروهای مسلح ما اتحاد شوروی به مردم و نیروهای مسلح ما در امر مقاومت در قبال تجاوز امریکا و در امر رهایی ملی و ساختمان سوسیالیسم کمک های بزرگ و مؤثر میبذل میدارند. موافقتنامه های اخیر که در باره کمک اقتصادی نظامی اتحاد شوروی به ویتنام انعقاد یافت نموداری از هستیگی پیکارجویانه و دوستی برادرانه میان دو کشور است که بر پایه انترناسیونالیسم پرولتری استوار است. این موافقتنامهها در تحقق پیروزی مردم ما نقش مهمی ایفا میکنند.

مثلاً برای این مطلب که در صیافت شازگهای گفته شده است: «امروز دو ملت ما (یعنی امریکا و چین) آینده سراسر جهان را بدست خود دارند» چه مفهوم دیگری میتوان قائل شد؟

میدانیم که در پکن تا همین چندی پیش مبارزه پیگیری را که کشور شوراها از دوران حیات لندن در راه همزیستی مسالمت آمیز انجام میدهد «روبو نوینسم» و «خیانت» اعلام میداشتند. ولی اکنون در اعلامیه چین و امریکاصول همزیستی مسالمت آمیز کشورها تأیید شده است. باین تأیید البته باید فقط تهنیت گفت. ولی آنچه که اهمیت دارد تنها انشاء این اصول در روی کاغذ نیست بلکه تحقق عملی آنها نیز هست.

بطور کلی باید گفت که درباره دیدار پکن نظریات و حدسیات بسیار گوناگون بیان میگردد. ولی نظریات بجای خود و کلام آخر را - تکرار میکنم - واقعیات و اقدامات واقعی خواهند گفت. بهمین جهت ما در ارزیابی نهائی خود شتاب نمیریم. آینده و شاید هم آینده نزدیک نشان خواهد داد که وضع واقعی بر چه منوال است، آنگاه ما از آن نتیجه گیری عملی لازم خواهیم کرد.

در مورد روابط ما با جمهوری توده‌های چین باید خاطر نشان کنیم که موضعگیری اصولی حزب ما و دولت شوروی در اسناد کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی بروشنی تشریح شده است. در قطعنامه کنگره تصریح گردیده است که حزب ما هوادار دفاع پیگیر از اصول مارکسیسم -

لنینیسم، تحکیم مجدانه وحدت جنبش جهانی کمونیستی و دفاع از مصالح و منافع میهن سوسیالیستی است. سپس در قطعنامه خاطر نشان شده است که: «کنگره یاهوهای افترا آمیز تبلیغات چین را درباره سیاست حزب و دولت ما جداً مردود اعلام میکند. همین حال حزب ما طرفدار اعادة مناسبات عادی میان اتحاد شوروی و جمهوری توده‌های چین و احیای حسن همجواری و دوستی میان ملل شوروی و چین است. بهبود مناسبات میان اتحاد شوروی و جمهوری

توده‌های چین پاسخگویی منافع حیاتی و دیر پای هر دو کشور، پاسخگویی منافع سوسیالیسم جهانی و تقویت مبارزه علیه امپریالیسم است.» این موضعگیری ما اکنون نیز کاملاً بقوت خود باقیست.

سخنگویان رسمی چین بما میگویند که مناسبات میان اتحاد شوروی و جمهوری توده ای چین باید بر پایه اصول همزیستی مسالمت آمیز استوار باشد. چه عیب دارد، اگر در چین بیشتر از این اصول را در مناسبات با کشور سوسیالیستی مجاز نمیدانند. ما حاضریم مناسبات شوروی و چین را در حال حاضر بر همین پایه نیز استوار سازیم. رفقا میتوانم بشما بگویم که ما این آمادگی را فقط ابراز نمیداریم بلکه در قالب پیشنهاد های کاملاً مشخص و سازنده درباره عدم تجاوز و حل و فصل مسائل مرزی و بهبود مناسبات مبتنی بر منافع مشترک نیز عرضه میداریم. این پیشنهاد ها از دیر باز بر رهبران چین معاموم است. و اینک آنهاستند که باید بان پاسخ دهند.

ماهینامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

ظفر مندی نهائی با خلق ویتنام است که با قهرمانی
بی نظیر خویش در راه حق و عدالت، علاقه و احترام و
پشتیبانی همه مردم جهان و از آنجمله مردم ایران را
بسوی خویش جلب کرده است.

از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
بمناسبت تشدید تجاوز امپریالیسم امریکا در ویت نام

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت تشدید تجاوز امپریالیسم امریکا در ویتنام

امریکا و تولاهاى مذبحخانه رژیم پوشالی و
ضد خلقی سایگون، گرم پیشرفت است و
سربازان «وان تیو» را بفرار و تسلیم وادار
میسازد.

نیکسن مانند اسلاف خویش، بجای
اجرای مذاکرات صلح با نمایندگان جمهوری
دمکراتیک ویتنام و دولت موقت انقلابی ویت
نام جنوبی، یعنی بجای در پیش گرفتن روشی
که مردم جهان و اکثریت مردم امریکا و
سوی محافظ وسیع حاکمه در این کشور،
خواستار آند، عنودانه تجاوزکاری امپریا
لیستی را تشدید میکند.

روشن است که این سیاستی است بی سر
انجام، زیرا خلق ویتنام و ارتش رهائی بخش
از پشتیبانی مردم جهان، از پشتیبانی کشورهای
های سوسیالیستی و مقدم بر همه از پشتیبانی
نیرومند، بیدریغ و مؤثر اتحاد شوروی، که
وسعت و اهمیت تأثیر آن هر روز آشکار تر
میشود، برخوردار است.

قهرمانی اعجاب آور مردم ویتنام،
همراه با پشتیبانی همه جانبه اتحاد شوروی و
دیگر نیرو های مترقی جهان، منبع قدرت
حیاتی زوال ناپذیر و تأمین کننده پیروزی
نهائی مردم ویتنام در جنگ مقدس رهائی
بخش علیه دد خونخوار و جهانخوار امپریا
لیسم امریکاست.

هم اکنون در سراسر جهان موج پر
فورانی از اعتراض به سیاست تجاوزکارانه
امپریالیسم امریکا با شدتی بیش از سابق بر
خاسته و بانگ خشمناک مردم در همه جا و
از آنجمله در شهر های امریکا علیه سیاست
فتنه انگیزانه و ضد بشری نیکسن شنیده میشود.
در چنین شرایطی ما وظیفه داریم
پشتیبانی خود را نسبت بمبارزه قهرمانانه مردم
ویتنام تشدید کنیم. مبارزه مردم ویتنام علیه
امپریالیسم امریکا و عمالش یک مبارزه محلی
دنیا به در صفحه ۲

امپریالیسم امریکا دست بتصادد جدید
جنگ در ویتنام زده و با این عمل صلح جهانی
را با خطر بزرگی روبرو کرده است.
تشدید بی سابقه بمبارانهای وحشیانه ویت
نام و از آنجمله هجومهای دژخیمانه به
جمهوری دمکراتیک ویتنام و کشتن اهالی
بیکناه و ویران کردن بیمارستانها و مدارس،
آوردن کشتی های جنگی بسواحل ویتنام
و مین گذاری آبهای ساحلی یعنی اجراء
سیاست متناصره دریائی در مورد ویتنام،
همه و همه عبارتست از دست زدن به بزرگترین
فتنه جوئی ها و نقض علنی حقوق بین المللی.
این اقدامات بهیچوجه علامت نیرومندی
امپریالیسم امریکا نیست، بلکه برعکس علامت
ضعف آنست، نمودار شکست رسوای سیاست
ویتنامی کردن جنگ، یعنی همان سیاستی
است، ریحارد نیکسن با آن جارو و جنجال
موفقیت آنرا اعلام کرد و امید داشت که
در زیر این پرده ریاکارانه بتواند به نیت
راهزنانه امپریالیسم امریکا در ویتنام تحقق
بخشد.

امپریالیسم امریکا با این اقدامات تجاوز
کارانه میخواهد از شکست رژیم پوشالی
و دست نشانده «وان تیو»، که علیرغم تأویل
مردم ویتنام جنوبی بر آنها تحمیل گردیده
جولوگیری کند و در مقابل پیشرفت نیروهای
رهائی بخش ویتنام جنوبی سد ایجاد نماید.
ولی ارتش رهائی بخش ویتنام جنوبی که
خلق ویتنام پشتیبان آنست و در گذشته بارها
جهانیان را از قهرمانی های خویش به شگفت
انداخته، اکنون در یک تعرض نیرومند،
دشمن را میروید و یکی پس از دیگری
پایگاههای حماس سوق العیسی را از جنگ
وی خارج میکند. هم اکنون در شهر «کوانک
تری» حاکمیت خلقی استقرار یافته و ارتش
رهائی بخش ویتنام جنوبی در جبهه های
کوناگون، علیرغم بمبارانهای دیوانه وار

بمناسبت نودمین سالروز ولادت گئورگی دیبیتروف

بنیادگذار بلغارستان نوین و پیشوای طبقه کارگر

بلغارستان و رجل برجسته جنبش جهانی کمونیستی و کارگری

۱۸ ژوئن ۱۹۷۲ از روز ولادت
گئورگی دیبیتروف بنیادگذار بلغارستان
نوین، پیشوای طبقه کارگر و رجل برجسته
جنبش جهانی کمونیستی و کارگری نود
سال میگذرد. جامعه ترقیخواه بشری این
سالروز بزرگ را در مقیاسی وسیع بر گزار

کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان!
رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت نودمین سالروز ولادت فرزند کبیر
بلغارستان و رجل برجسته جنبش جهانی کمونیستی
و کارگری بشما و توسط شما به تمام کمونیست
ها و تمام خلق پر افتخار بلغارستان صمیمانه و
برادرانه شادباش میگوید.

جامعه ترقیخواه بشری نام گئورگی
دیبیتروف را بزرگ و گرامی میدارد. سراسر
زندگی و فعالیت گئورگی دیبیتروف نمونه
درخشانی است از خدمت بیدریغ به طبقه
کارگر، به جنبش جهانی کمونیستی و به
جنبش آزادیبخش ملی ملل ستمکش.

گئورگی دیبیتروف مبارز استوار و
هراس ناپذیر ضد ارتجاع و امپریالیسم بود.
او با رفتار قهرمانانه خود در دادگاه لیزبگ
ضمن افشاء تبهکاری های سرکردگان
فاشیسم از متهم به متهم کننده بدل شد و
نخستین ضربت معنوی و سیاسی را بر فاشیسم
دنیا به در صفحه ۳



برای یک سیاست خارجی مستقل و صلح آمیز

(اظهاریه هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

تشکیل جبهه متحد با شرکت احزاب کمونیست
در جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک این
کشورها، پیشرفتهای محسوسی حاصل کرد،
و قرار داد عراق و شوروی که خود ضامن

از چندنی باینطرف، بویژه پس از
وقایعی که در شبه قاره هندوستان روی داد
و به تشکیل جمهوری مستقل بانگلادش منجر
گردید، و نیز پس از آنکه در برخی از
کشورهای عربی تمایلات مترقی در جهت

هیئت حاکمه ایران بجای دنباله روی از امپریالیسم، بجای عناد در سیاست ضد دموکراتیک،

بجای نظامی کردن کشور باید تحولات جدی در روش خویش وارد سازد. ما مطمئنیم مقتضیات و نیازمندیهای

مبرم عصر ما به کسانی که نخواهند آنها درک کنند، درسهای عبرت انگیز خواهد داد.

از اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران تحت عنوان «برای يك سیاست خارجی مستقل و صلح آمیز»

دنباله از صفحه ۱

برای يك سیاست خارجی مستقل و صلح آمیز

مهمی برای حفظ تحولات مترقی در کشور همسایه ما عراق است انعقاد یافت، در تبلیغات رسمی ایران در زمینه سیاست خارجی، گرایشهای ارتجاعی و منافعی منافع خلق شدت گرفته است. این وضع را باید بویژه محصول تحریکات امپریالیستی و تأثیر مترجمین محافل هیئت حاکمه ایران دانست که از هرپانه‌ای برای تأمین نیا ناسالم خویش بزبان منافع اصیل مردم استفاده میکنند. باید افزود که تشدید این گرایشهای ارتجاعی، با تشدید فشار و روشهای ضد دموکراتیک، با تشدید سیاست نظامی کردن کشور، همراه و همزمان است.

برخی واقعیات این حقیقت را بخوبی نشان میدهد:

یکی دیگر از پدیده‌های هفته‌های اخیر تشدید فعالیت نظامی است. آمدن هیئتهای نظامی از آمریکا، انگلستان، اسپانیا، ایتالیا، ترکیه و نیز انواع تدارکات نظامی دیگر نموداری از این تشدید فعالیت است. سخن گویان رژیم بارها گفته اند که ایران باید به بزرگترین قدرت نظامی منطقه مبدل شود و صرف بودجه‌هایی باز هم کلاتر از گذشته برای نیل باین مقصد در نظر گرفته شده است؛

باین واقعیات باید تشدید فعالیت ضد کمونیستی را در جراید، رادیو و تلویزیون دولتی افزود. تضریحات ضد کمونیستی، اشارات ضد کشورهای سوسیالیستی در گفتارها و تفسیرها و مصاحبه‌های منتشره در هفته‌های اخیر، اندک نیست. از اتحاد موهوم «امپریالیسم شرق و غرب» علیه ایران و از

جبهه موهوم «کمونیستها و فئودالها» صحبت می‌رود. با براه انداختن صحنه‌های مصاحبه مانند، ساخته دست ساواک و با استفاده گستاخانه از قضاوتها، دعاوی و نتیجه‌گیری‌های یکطرفه و بدون مسئولیت، مطالبی در پرده و بی پرده علیه کشورهای سوسیالیستی و نیروها و اندیشه‌های مترقی بیان میشود.

سر انجام نمیتوان از روابط با جمهوری توده‌ای چین ذکر بی‌نیاز آورد. بر همه روشن است که ما هوادار عادی شدن و بهبود و بسط روابط با جمهوری توده‌ای چین هستیم و از این نظریه بی‌بسته دفاع کرده ایم و میکنیم. ولی ما خواستار آنچنان روابطی هستیم که در جهت منافع کشور، در جهت حفظ روابط دوستانه با همسایگان، در جهت حفظ صلح و امنیت خلیج باشد. ما

سیاست ماجراجویانه بند بازی بین نیروها و قدرتهای بزرگ را که هم مضر است و هم بی سرانجام رد میکنیم. قرائن نشان میدهد که مترجمترین محافل حاکمه ایران امیدوارند بتوانند از روش ضد شوروی ماثوئیستها بسود مقاصد خویش استفاده کنند. بیهوده نیست که نقل قول از مطبوعات و خبرگزاریهای چین و آلبانی در رادیو و تلویزیون علیه کشور

هیئت حاکمه از آن بنام «بیمان مرده» یاد می‌کرده‌اند. اخیراً روزنامه‌های وابسته بدولت صریحاً نوشتند که اگر تا چندی قبل صحبت از محو تدریجی سنتو در میان بوده، اینک دیگر اظهار نظرها عموماً در اطراف تجدید حیات این بیمان دور میزند؛

پدیده ناسالم دیگر در سیاست خارجی دولت ایران شیوه برخوردش به تحریکات امپریالیستی در خلیج فارس است. جراید جهان و ایران اطلاع داده‌اند که آمریکا پس از در اختیار گرفتن پایگاه در بحرین، میکوشد از امکانات مشابهی در بندر ابوظبی برخوردار شود. بعلاوه امپریالیسم انگلیس با آنکه مجبور شده است خلیج فارس را تخلیه کند ولی از هر باره در تلاش است تا مواضع خود را در خلیج نگاه دارد. دولت ایران در مقابل این تحریکات خاموش است.

دعاوی دولت ایران در باره اینکه گویا وی پاسدار منحصر بفرد باصطلاح «حفظ امنیت» در منطقه خلیج فارس است، آشکارا دارای يك محتوی ارتجاعی است. معنی این ادعا آنست که نه تنها مقابله‌ای با امپریالیسم انجام نمی‌گیرد، بلکه ایران میخواهد نقش «ژاندارم منطقه» را که یکی از عناصر سیاست کنونی امپریالیستی است، ایفا نماید؛

در روابط ایران با همسایه غربی ما عراق نیز روشهای نادرست تشدید می‌یابد. تصادمات نظامی در مرز ایران و عراق این اواخر چند بار تکرار شده است. رادیوی دولتی در پاسخ کسانی که از وی می‌پرسند

های سوسیالیستی یکی از شیوه‌های متداول تبلیغاتی بدل شده است.

این تقلابها و اقدامات در موقعی انجام می‌گیرد که در صحنه جهانی تغییرات کمی چند ساله اخیر در تناسب نیروها بسود سوسیالیسم و صلح و بزبان امپریالیسم و ارتجاع، بشکل بارزی بصورت تغییرات کیفی درآمده و ما

در دنیا گواہ پیروزیهای نوین سیاست صلح کشورهای سوسیالیستی و جنبش‌های ضد امپریالیستی هستیم.

نظری واقعیات جهان امروز این نتیجه‌گیری را روشن می‌سازد:

در هندوچین امپریالیسم ددمش آمریکا در برابر اراده‌ی تزلزل‌یك خلق قهرمان از پای در می‌آید. مردم ویت نام، علیرغم سیاست تصاعد دائمی جنگ از جانب آمریکا، امپریالیسم آمریکا و سگان زنجیری در ویتنام جنوبی، یعنی دار و دسته وان تیو را سرکوب میکنند. شکست سیاست ویتنامی کردن جنگ و رژیم یوشالی و ضد خلقی

سایگون که تبعیت چا کرانه از امپریالیسم و کین توری عنان گسسته بد خلق و جنبش و اندیشه انقلابی را محور سیاست خود ساخته بود، نونه است از سرنوشت تاریخی این نوع رژیمهای ارتجاعی در عصر ما. امپریالیسم مترعن آمریکا میتواند باز هم به تقلابهای بی سرانجام جدیدی متوسل شود، ولی از هم اکنون سرنوشت نهائی سیاست راهزانه اش در ویتنام روشن است.

حوادثی که در شبه قاره هندوستان گذشته و میگذرد بنوبه خود شاخص تحولات زمان ماست. ورشکست سیاست رسوای یحیی‌خان که تصور میکرد با تکیه بامپریالیسم با مغالزه با ماثوئیستها، با اتکاء به قدرت نظامی قادر است خلق هشتاد میلیونی «بدگاله دش» را سرکوب کند، پایان ناگزیر این نوع سیاست‌ها را بخوبی نشان داد. اکنون

پاکستان در آستانه مذاکره با هند و بدگاله دش است و ناچار است وجود جمهوری بدگاله دش را برسمیت بشناسد. در ذرون خود کشور پاکستان نیز سیاست دیکتاتوری و نظام‌گیری دچار ورشکست شده است و بوتو ناگزیر و برخلاف سلف خود، در سیاست داخلی و خارجی تصحیحات چندی وارد ساخته است.

در خاور میانه و نزدیک نیز تغییرات چشم‌گیری جریان دارد. بیش از پیش روشن میگردد که سیاست تجاوزکارانه اسرائیل و الهام‌گران صهیونیست آن بشکست نهائی محکوم است. مذاکرات موفقیت آمیز انور السادات با رهبران شوروی نقطه تحولی در وضع این منطقه از جهان خواهد بود. تحولات سوریه و عراق، گامهایی که در این کشور

ها در جهت تقویت وحدت نیروهای ضدامپریا-

لیستی و تحکیم دموکراسی برداشته شده و شرکت کمونیستها در راه‌گانه‌های رهبری این دو کشور بسط روابط با کشورهای سوسیالیستی بویژه اتحاد شوروی را باید بدگر تغییرات مثبتی که در خاور میانه رخ میدهد افزود. حتی در کشور همسایه ما ترکیه که پیوسته یکی از پایگاه‌های ارتجاعی بوده است تطوراتی در جهت تضعیف مواضع مترجع‌ترین محافل شوروی و لشکری مشاهده میشود.

نیروهای تلافی طلب امپریالیستی در آلمان غربی با شکست روبرو میگرددند. خواست تصویب قرار داد‌های بین اتحاد شوروی و لهستان از سوئی و آلمان غربی از سوی دیگر در آلمان غربی به يك خواست و جنبش نیرومند و وسیع توده‌ای بدل شده است و محافل گوناگون اجتماعی و از آنجمله محافل معین سرمایه داری را نیز دربر گرفته است. اندیشه صلح و همکاری، اندیشه تأمین امنیت جمعی راه خویش را در اروپا، علیرغم مشکلاتی که هواداران جنگ سرد در سر این راه ایجاد میکنند، گام‌گام به پیش می‌گشاید.

در امریکای لاتین هم وزش تغییرات بخوبی احساس میشود. موقعیت سیاسی و اقتصادی نخستین کشورهای سوسیالیستی امریکای لاتین یعنی کوبا، علیرغم تحریکات و تفتینات گوناگون امپریالیسم آمریکا، بیش از همیشه تحکیم شده است. جمهوری شیلی در مقابل تحریکات امپریالیستی و ارتجاعی با ایستادگی میکند و امر اصلاحات بنیادی اجتماعی را با موفقیت پیش میبرد. در برخی دیگر از کشورهای امریکای لاتین رژیم‌هایی با مشی ضد امپریالیستی سر کار آمده‌اند و از نفوذ و سیطره امپریالیسم آمریکا در این بخش از جهان بشکل محسوسی کاسته می‌گردد.

تضادهای مالی، اقتصادی، سیاسی در اردو گناه امپریالیستی بخوبی سابقه‌ای شدت یافته است. در نتیجه تکامل حوادث عصر م، در کشورهای امپریالیستی، حتی در اصل امپریالیسم جهانی یعنی ایالات متحده آمریکا، تضاد بین محافل از لحاظ سیاسی واقع بین از سوئی و محافل هوادار ادامه مشی جنگ سرد «از سوی دیگر» بسود گروه‌اول عمیق تر میشود. تحول تناسب نیروها در صحنه بین المللی بزبان امپریالیسم و شکست «جنگ سرد» مجموعه سیاست امپریالیستی راه‌بن بست کشانده است. جنبش‌های کارگری و احزاب انقلابی و مترقی در کشورهای امپریالیستی بیش از پیش نیرو می‌گیرند و کسب اعتبار می‌کنند.

دنباله در صفحه ۳

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

نیست. اثرات این مبارزه و پیروزی نهائی آن در سراسر جهان و در سیر تاریخ عمیقاً احساس شده و میشود. مردم ویتنام فدائیکاری های کنونی را بخاطر دفاع از هدفهای انجام میدهند که هدف تمام خلقها یعنی استقلال ملی، صلح و دمکراسی است.

مردم ایران باید بهر نحو که میدانند، چه از جهت معنوی و چه از جهت مادی، بتخلیق قهرمان ویتنام کمک برسانند و در این راه از هر گونه فدائیکاری دریغ نورزند. میتوان با ارسال نامه های اعتراض به سفارت امریکا، به سازمان ملل متحد، با ارسال نامه های پشتیبانی به ویتنام، با ارسال مادی بوسیله سفارتخانه های کشورهای بیطرف باراهای دیگری که میشود ابتکار کرد، این پشتیبانی را عملی ساخت.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۱

برای يك سياست خارجي مستقل و صلح آميز

در چنین شرایطی از همیشه روشن تر است که به نفع صلح جهان، صلح منطقه و مصالح کشور ماست که تنها مشی صحیح در سیاست خارجی یعنی مشی همزیستی مسالمت آمیز و همکاری خلقها، مشی بیطرفی مثبت در پیش گرفته شود و روشهای ضددموکراتیک در سیاست داخلی و روش مضر و خطای نظامی کردن کشور ترک گردد. بهمین جهت در منفعت کشور ماست که از پیمان تجاوزکارانه سنتو خارج شود.

در منفعت کشور ماست که نسبت به سیاست ایجاد پایگاههای نظامی از طرف امپریسم امریکا در بحرین و ابوظبی و تحریکات امپریالیسم انگلیس در این منطقه خاموش نشینند و از ایفاء «نقش ژاندارم» که هدف آن تقویت نیروهای ارتجاعی علیه نیروهای ضد امپریالیستی منطقه است، دست بردارد. ایران باید در اتحاد کامل با خلق های برادربزرگ علیه هر گونه تسلط استعماری و استیلای اقتصادی و سیاسی امپریالیستی در خلیج فارس مبارزه نماید و بکوشد تا خلیج فارس بصورت دریای صلح و ترقی اقتصادی و پیشرفت اجتماعی، شاهراه برادری و تفاهم متقابل و همکاری همه جانبه بین خلقهای ایران و عرب، به نفع همه ساحل نشینان این منطقه حیاتی خاور میانه و نزدیک، مبدل گردد.

در منفعت کشور ماست که روابط ایران با کشورهای مترقی عرب بهبود یابد و بویژه روابط ما با جمهوری عراق از وضع وخامت آمیز کنونی آن هرچه زودتر بیرون آید و عادی شود و مسائل مورد اختلاف از طریق مذاکره حل و فصل گردند. توسل به سلاح هیچ مشکلی را حل نمی کند بلکه مشکلات تازه ای ایجاد مینماید. در جهان امروز امکانات عینی برای حل اختلافات بین کشورها بر اساس عادلانه وجود دارد

که باید از آنها استفاده کرد. روابط کشورهای سوسیالیستی و از آنجمله همسایه بزرگ شمالی اتحاد جماهیر شوروی با دیگر کشورها و از جمله با کشورهای عربی مبتنی بر توطئه علیه دولت ثالثی نیست و نمیتواند باشد، بلکه صرفاً به مصالح صلح جهان و منطقه و منافع و صرفه متقابل مبتنی است و به رشد و ترقی و استقلال کشورها کمک میکند. گواه آن روابط کشور های سوسیالیستی و از آنجمله اتحاد شوروی با ایران است. بهمین جهت ایران باید از بسط روابط کشورهای سوسیالیستی با کشورهای منطقه خرسند باشد نه آنکه آنرا مخالف «ثبات منطقه» جلوه دهد.

بنظر ما همه گونه امکان برای بسط بیشتر روابط دوستانه با کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی وجود دارد. باید از این امکانات به مراتب بیشتر و وسیع تر از گذشته استفاده کرد. بسط روابط دوستانه با کشورهای سوسیالیستی و مقدم بر همه اتحاد شوروی همسایه بزرگ شمالی ما در منفعت استقلال کشور است و از آن کشور و مردم ایران تنها سود خواهند برد. هیئت حا که ایران بجای دنباله روی از امپریالیسم، بجای عناد در سیاست ضد دموکراتیک، بجای نظامی کردن کشور باید تحولات جدی در روش خویش وارد سازد. ما مطمئنیم مقتضیات و نیازمندیهای مبرم عصر ما بکسانی که نخواهند آنرا درک کنند، درسهای عبرت انگیز خواهد داد. حتی نیکنانها و شترافوسها با همه غرور و ادعا، از عهده مقابله با این نیازمندی های مبرم عصر ما که راه خود را بی امان به پیش می گشایند، بر نمی آیند و مجبورند آنها را در نظر گیرند.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۱

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت روز اول ماه مه افزوده میگردد. اگر در وضع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی موجود تغییرات جدی پدید نیاید با توجه باضافه جمعیت روستا که هم اکنون نیز زیاد است صفوف بیکاران پیوسته توسعه خواهد یافت و نه تنها مشکلات کنونی برطرف نخواهد شد بلکه بر مشکلات مسکن، خوار-بار، آموزش و پرورش و بهداشتی به مراتب افزوده خواهد شد.

توسعه روز افزون بیکاری کارگران شاغل را نیز همواره در معرض خطر بیکاری قرار میدهد. بدین سبب مبارزه برای تأمین حق کار و برای بیمه بیکاری و دریافت حقوق ایام بیکاری یکی از خواست های مبرم توده های وسیع زحمتکشان است.

مبارزه در راه توسعه سریع صنایع با توجه به خصوصیات و نیازمندیهای کشور و با استفاده وسیع از آموادگی کشورهای سوسیالیستی برای بسط مناسبات اقتصادی و همکاریهای فنی که شاهراه تأمین استقلال واقعی میهن ما است، یگانه راه درست و واقع بینانه برای جلوگیری از توسعه بیکاری و تأمین اشتغال صدها هزار کارگر است.

طبقه کارگر ایران به همراه عموم زحمتکشان کشور میتواند با مبارزه متحد و مدبرانه خود اتخاذ چنین روشی را به هیئت حاکمه تحمیل نماید.

بر خورداری از تأمین اجتماعی در زمره حقوق بشردی زحمتکشانست و در چارچوب مطالبات اقتصادی و اجتماعی یکی از خواست های عمده و دائمی طبقه کارگر و سازمانهای سندیکایی را تشکیل میدهد. زحمتکشان ایران برای تعمیم مقررات بیمه اجتماعی بکلیه افراد مزد بگیر و تکمیل قوانین بیمه و کار مبارزه میکنند.

طبقه کارگر ایران با تحکیم وحدت صفوف و تشکیل خود میتواند به نیروی عظیم و شکست ناپذیری مبدل گردد، برای بر آوردن خواسته های مبرم خویش با موفقیت گام بردارد و رسالت تاریخی خود را که تبدیل ایران به کشور مستقل و دمکراتیک و رها ساختن جامعه ایران از ستم بهره کشان است با سرافرازی بسر انجام برساند. در مبارزه برای نیل باین هدف تابناک کارگران تنها نیستند، همه دهقانان زحمتکش، همه پیشه وران و کسبه شهر، همه روشنفکران آزادیخواه و میهن پرستان واقعی همزم آنها بشمار میروند.

پاینده باد سنت تاریخی اول میاه مه، روز همبستگی و اتحاد کارگران سراسر جهان!

مستحکم باد همبستگی زحمتکشان ایران با مبارزان ضد امپریالیست سراسر جهان! درود به خلق قهرمان ویت نام و به زحمتکشان کشورهای عربی که علیه امپریالیسم و در راه آزادی، استقلال و صلح بیکار میگردند!

نودمین سالروز ولادت گئورگی دیمیتروف

وارد ساخت و بدینسان به مبارزان جنبش جهانی ضد امپریالیستی و ضد فاشیستی الهام بخشید.

خدمات بزرگ گئورگی دیمیتروف در دورانی که مقام دبیر اول کمیته بین المللی احراز میکرد مورد تصدیق و تأیید کامل تمام واحد های جنبش جهانی کمونیستی قرار گرفت. گئورگی دیمیتروف به پیروی از اصول مارکسیسم-لنینیسم نظریه مربوط به ایجاد جنبش های واحد خلق را تکمیل کرد و بدینسان مبنای اجتماعی مبارزه انقلابی را توسعه بخشید و کمونیست ها را به سلاح نیرومندی در این مبارزه مجهز ساخت.

تحت رهبری گئورگی دیمیتروف شاگرد و همزم وفادار دیمیتر بلاگوف حزب کمونیست بلغارستان به حزب طراز لنینی بدل گردید و مارکسیسم-لنینیسم را بر شرایط مشخص بلغارستان منطبق ساخت.

گئورگی دیمیتروف پیشوای بزرگ خلق بلغارستان پس از برقراری حکومت توده ای برای ایجاد بلغارستان نوین مساعی خستگی ناپذیر مبسوط داشت و تمام نیروی استعداد و قریحه عظیم سازمانگری و تئوریک خود را برای تحقق این امر خطیر بکار بست.

خاطره تابناک گئورگی دیمیتروف - فرزند بزرگ خلق بلغارستان، شخصیت مبرز جنبش جهانی کمونیستی، تئوریسین بزرگ مارکسیست و انترناسیونالیست پیگیر برای همیشه در قلب پروولتاریای جهانی و تمام جامعه ترقیخواه بشری زنده خواهد ماند.

رقعی عزیز در سالروز خجسته تولد بنیاد گذار بلغارستان نوین کامیابی های هرچه بیشتر شما و تمام مردم بلغارستان را در اجرای وصایای گئورگی دیمیتروف، در پیشرفت ساختمان سوسیالیسم، در راه صلح، دموکراسی و تحقق آرمان های بزرگ مشترک ما آرزو مندیم.

با درود برادرانه
کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیر اول - ایرج اسکندری

پیروز باد طبقه کارگر ایران پیشاهنگ جنبش ملی و دمکراتیک کشور ما! موفق باد مبارزات کارگران و عموم زحمتکشان ایران در راه خواسته های صنفی و اجتماعی خود!

قابل توجه خوانندگان گرامی

علامتدان به کتب «نشریات توده» از این پس تنها در صورت ارسال قبضه پراخت پول بحساب بانکی ما کتب درخواستی خود را دریافت خواهند کرد.

مردم و یتنام فداکاری های کنونی را بخاطر دفاع از هدف هائی انجام میدهند که هدف تمام خلقها یعنی استقلال ملی ، صلح و دموکراسی است .

از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت تشدید تجاوز امپریالیسم امریکا در ویتنام

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت روز اول ماه مه

کارگران و زحمتکشان ایران !

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت روز اول ماه مه ، روز همبستگی زحمتکشان جهان ، روز اتحاد و مبارزه طبقه کارگر در راه تحقق خواستهای مشروع صنفی ، اجتماعی و سیاسی خود بشما صمیمانه شادباش میگردد .

از نقض قوانینی که بتصویب مجلس تابع خویش میرساند با کسی ندارد ، برخلاف مفاد صریح اعلامیه جهانی حقوق بشر عمل میکند ، دیکتاتوری فردی و ترور پلیسی را جانشین حکومت مشروطه میسازد و بدست سازمان امنیت ابتدائی ترین آزادیها و حقوق اجتماعی مردم را لگدمال مینماید .

کیفی سرعت رشد می یابد و بیش از پیش به یک عامل مؤثر در حیات اقتصادی و اجتماعی کشور مبدل میگردد . منافع مشروع طبقه کارگر هر روز بشکلی از طرف رژیم ضد دموکراتیک مورد حمله قرار میگردد . رژیم از شکل و فعالیت طبقه کارگر وحشت دارد و میکوشد از آن جلو گیری کند و یا سازمان های سندیکائی را تحت کنترل خویش در آورد . طبق اعتراف مقامات دولتی صدها سندیکا در ایران وجود دارد ولی تاکنون برخلاف قانون کار از تشکیل فدراسیونهای حرفه ای و کنفدراسیون کشوری اتحادیه ها جلو گیری بعمل آمده است . کارگران

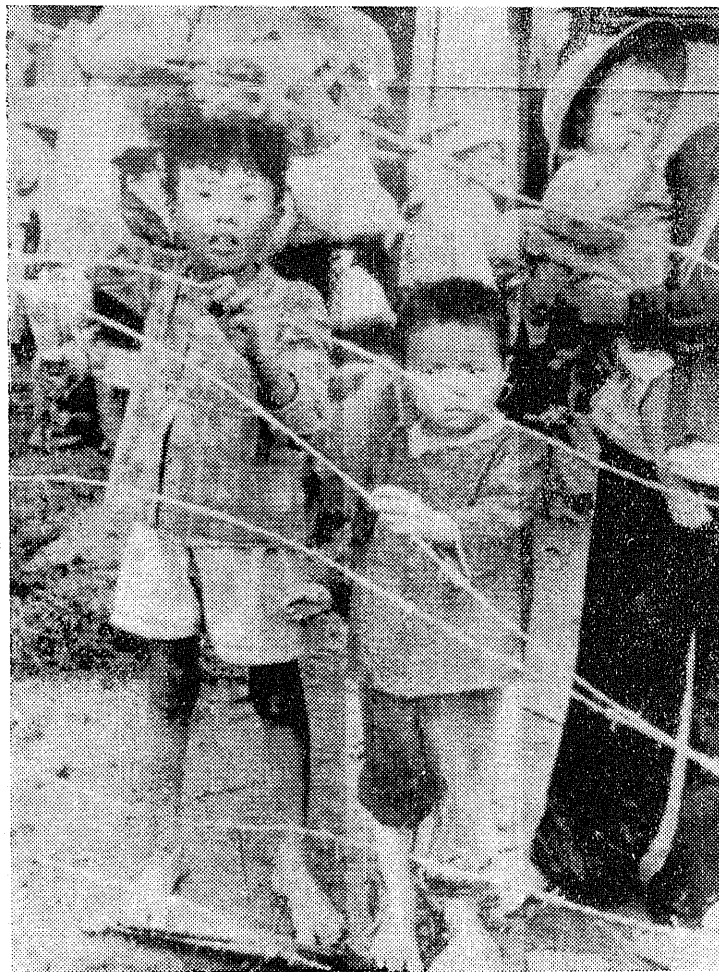
در سالی که گذشت شکل و بیکار جوئی طبقه کارگر در سراسر جهان افزون گردید . طبقه کارگر در همه کشورها نقش سیاسی فعالتری ایفا نمود ، مبارزات مطالباتی ، مبارزه در راه صلح ، استقلال ملی ، دموکراسی و ترقی ، علیه بهره کشی سرمایه داری و امپریالیسم شدت یافت . در بسیاری از کشورها زحمتکشان توانستند با توسل باعصابهای دامنه دار و تظاهرات پر شکوه ، مقاومت عنودانه طبقات استثمارگر را درهم شکسته در زمینه افزایش دستمزد ، تقلیل ساعات کار ، بهبود بیمه ها و تأمین اجتماعی ، آزادیها و حقوق سندیکائی کامیابیهایی قابل توجهی بدست آورند . مردم قهرمان ویتنام با پشتیبانی و همبستگی مستمر و فعال همه نیروهای صلح دوست و ترقیخواه در مبارزه علیه تجاوز کاران امریکا به بیروزیهایی درخشانی نائل گردیدند .

زحمتکشان جهان جشن بین المللی خود را در شرایطی برگزار میکنند که بحران عمومی سیستم سرمایه داری بیش از پیش به شدت میگراید و برتری نیروهای صلح ، سوسیالیسم و استقلال ملی بر قوای جنگ و تجاوز و امپریالیسم روز بروز محسوس تر میگردد . کارگران ایران نیز که توانسته اند در نتیجه مبارزات طولانی رسمیت جشن اول ماه مه را به هیئت حاکمه بقبولانند ، با استفاده از کلیه امکانات قانونی برای برپا داشتن این سنت فرخنده کارگری و گسترش حق مشروع خویش در زمینه تظاهرات اول ماه مه خواهند کوشید .

سالهاست که گردانندگان رژیم ادعا میکنند که گویا «انقلاب سفید» مشکلات مردم را حل کرده است . تجربه دهساله بطلان این ادعا را ثابت میکند و مطلب باندازه ای روشن است که حتی هواخواهان رژیم نیز نمیتوانند از اظهار آن خود داری و رزقند .

هیئت حاکمه حقوقی را که قانون اساسی بسود آزادیهای فردی و اجتماعی برای مردم ایران شناخته است یا مهال میسازد ،

بمناسبت اول ژوئن روز جهانی کودک



زندگی کودکان ویتنام در زیر بمباران دصفتانه راهزنان امپریالیسم امریکا دستخوش تاراج است . برای رهائی کودکان ویتنام و همه کودکان جهان از وحشت جنگ و

ساختمان که تعداد آنها تنها در تهران به ۴۰۰ هزار نفر میرسد مانند کارگران کاشا ورزی سندیکائی ندارند ، مقررات و قوانین موجود بیمه و کار در مورد آنها اجبرانه نمیکردد .

کارگران پیشرو مبارزه میکنند تا با استفاده از کلیه امکانات قانونی وسیعترین قشرهای کارگران را متحد سازند تا آزادی و حقوقی متناسب با نقش مهمی که در جامعه ایفا میکنند بدست آورند . سندیکائی کارگری سازمان صنفی طبقه کارگر و همه کارگران و زحمتکشانی است که داوطلبانه عضویت آنرا میپذیرند . بنا بر این نه تنها اداره امور سندیکائی باید در دست منتخبین خود کارگران باشد ، بلکه این سازمان باید بتواند آزادانه از حقوق قانونی خود طبق رهنمود و تحت کنترل اعضاء خویش استفاده نماید .

رژیم از سوئی با پیش کشیدن شعار بوج و عوامفریبانه سهم کردن کارگران در سود کارخانه ها در کشوری که بعلت فساد عمیق دستگاه دولتی تعیین میزان سود کارفرمایان غیر متدور است ، از وحدت طبقائی از همکاری بین کار و سرمایه دم میزند و از سوی دیگر بمنظور پشتیبانی از استثمارگران بزور سرنیزه هر گونه جنبش حق طلبانه کارگران را سرکوب میکند .

علیرغم طبقه کارگر و همه مردم میهن پرست ایران هیئت حاکمه انحصارهای مابا لستی را برای سرمایه گذاری در کشور و بهره کشی از نیروی کار ارزان کارگران ایران تشویق میکند و بدینسان برای امپریالیستها وسایل غارت منابع ثروت ملی واستثمار بیرحانه کارگران ایران را فراهم میسازد . مبارزه علیه انحصارهای غارتگر امپریالیستی وظیفه طبقائی و میهنی عموم کارگران و زحمتکشان ایرانست .

دراثر افزایش بهای خوار بار و پوشاک و ترقی روز افزون کرایه مسکن درآمد واقعی کارگران پیوسته تقلیل مییابد و وضع زندگی توده های زحمتکش بوخامت میگراید . میان ترقی هزینه زندگی و افزایش دستمزدها هیچگونه تناسبی وجود ندارد . افزایش دستمزد خواست عموم کارگران است و مبارزه برای افزایش دستمزد عامل مهمی برای متحد ساختن قشرهای وسیع کارگران و بانجام رساندن مطالبات حق آنهاست .

بیکاری برای یک فرد زحمتکش بلیه بزرگی است که خود وی و خانواده اش را در معرض شکنجه مادی و معنوی قرار میدهد . در میهن ما جمعیت سالیانه در حدود ۳ درصد افزایش مییابد ، بر نیروی کار نیز بهمین میزان دنباله در صفحه ۳